

تحلیل عوامل موثر بر ارزش‌های خانوادگی جوانان روستایی: مطالعه موردی استان اصفهان*

سیامک شهابی**

چکیده

مجموعه تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور طی چند دهه اخیر تغییر ساختار و ارزش‌های خانوادگی نظام ارزشی جامعه شهری و روستایی ایران را در ابعاد مختلف به دنبال داشته است. هدف این تحقیق، شناسایی مهم‌ترین ارزش‌های خانوادگی جوانان روستایی و عوامل موثر بر آن است. جامعه آماری این تحقیق را افراد ۱۸ تا ۳۰ ساله ساکن در مناطق روستایی استان اصفهان تشکیل می‌دهند. در انجام این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است. برای جمع‌آوری داده‌های میدانی تحقیق با ۵۴۴ جوان روستایی که با استفاده از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب گردیدند مصاحبه به عمل آمد.

ارزش‌های خانوادگی از جنبه‌های مختلفی قابل تعمق هستند که در مورد جوانان روستایی تشکیل خانواده، سن مناسب ازدواج، ابعاد مهم خانواده، تعداد ایده‌آل فرزندان، معیارهای گزینش همسر، نظام تصمیم‌گیری در خانواده، استقلال زن در خانواده و شکاف نسلی ارزشی از جمله مهم‌ترین آنها به شمار می‌روند. عوامل دارای تاثیر مستقیم بر ارزش‌های خانوادگی عبارت‌اند از: رضایت از زندگی، جنسیت، سطح تحصیلات، استفاده از رسانه‌های جمعی و شرایط اقلیمی؛ عواملی همچون سن، ارتباط با مراکز شهری، قابلیت دسترسی روستا، وضعیت تاهل و وضعیت اقتصادی به طور غیر مستقیم بر ارزش‌های خانوادگی تأثیر می‌گذارند.

کلید واژه‌ها: جوانان روستایی / ارزش‌های خانوادگی / مطالعه موردی / اصفهان (استان).

× این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی اولویت‌های ارزشی جوانان روستایی استان اصفهان و عوامل مؤثر بر آن» است که توسط نگارنده در گروه تحقیقات و بررسی مسائل روستایی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان اصفهان در سال ۱۳۸۲ اجرا شده است.

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه

خانواده یک گروه خویشاوندی است که در اجتماعی کردن فرزندان و برآوردن برخی از نیازهای بنیادین دیگر جامعه، مسئولیت اصلی را بر عهده دارد. خانواده از گروهی از افراد تشکیل می‌شود که از راه خون، زناشویی و یا فرزندپذیری با یکدیگر ارتباط می‌یابند و طی یک دوره زمانی نامشخص با هم زندگی می‌کنند (تقوی، ۱۳۸۲). دورکیم معتقد است که خانواده گروهی طبیعی نیست که به وسیله والدین بنا شده باشد بلکه نهادی است اجتماعی که عوامل اجتماعی آن را به وجود آورده‌اند (میشل، ۱۳۵۴، ص ۳۲). از نظر پارسنز، اگر خانواده را از نظر جامعه‌شناسی مطالعه کنیم، غیر از وظیفه تولید نسل و تعیین هویت اجتماعی فرزندان وظیفه دیگری ندارد. اجتماعی کردن ابتدایی کودکان توسط خانواده باعث می‌شود آنها بتوانند در آینده عضوی از جامعه باشند. یک جنبه از جامعه‌شناسی پارسنز این است که نظام اجتماعی در مجموع به سوی استحکام و تعادل پیش می‌رود و در نتیجه، یکی از وظایف خانواده اجتماعی کردن کودک از طریق انتقال افکار، ارزش‌ها و مفاهیم عمیق اجتماعی در جهت حفظ و تعادل نظام است (میشل، ۱۳۵۴، ص ۶۸).

شکل خانواده همچون سایر پدیده‌های اجتماعی در طول تاریخ یکسان باقی نمانده بلکه در جریان تحولات اقتصادی، اجتماعی متحول شده است. تحول خانواده از شکل گسترده به هسته‌ای در دوران جدید با صنعتی شدن اروپای غربی آغاز شد. دلایل اصلی این تحول عبارت بودند از تغییر خصوصیات شکل تولید و بهره‌برداری، تحرک نیروی کار، افزایش فعالیت‌های نوع دوم و سوم (صنایع و خدمات)، بالا رفتن سطح مصرف، و استفاده از کالاها و خدمات تازه مصرفی (بهنام، ۱۳۵۶، ص ۱۰). سنت‌های دیرپا رو به زوال رفت و بر اساس حقوق اجتماعی تازه اشکال جدیدی از خانواده پدید آمد. رهایی زنان از قیود گوناگون، تقسیم کار و زوال صنایع دستی و خانگی سبب شد که خانواده وسیع قدیمی از هم بپاشد و بدین‌سان خانواده زن و شوهری کوچک و مجزا شکل

گرفت. از نظر پارسنز، خانواده هسته‌ای با اجتماع صنعتی هماهنگ است زیرا اجتماع صنعتی تحرک مکانی و اجتماعی اعضایش را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در حقیقت، برای یک خانواده کوچک نقل مکان کردن، در صورت الزام شغلی، خیلی آسان‌تر است تا خانواده گسترده. ارزش‌های نظام صنعتی بر مبنای صلاحیت فرد است نه بر اساس حمایت خویشاوندان (میشل، ۱۳۵۴، ص ۷۰). در بسیاری از کشورها از همان بدو دوران صنعتی شدن، افراد سعی کردند که خود را از حیطه قدرت رئیس و مقررات خانواده رهایی دهند. فرزندان خانواده که تحت سلطه پدر به سر می‌بردند و قانون قرن‌ها آنها را فراموش کرده بود به طور سریع و ناگهانی آزادی‌هایی به دست آوردند. در اثر اشاعه آموزش و بالا رفتن سن کار، فرزندان ارزش‌های جدیدی را پذیرفتند (بهنام، ۱۳۵۶، ص ۹). از نظر پارسنز، به طور کلی خانواده گسترده و جامعه صنعتی دو نظام ارزشی هستند که به کلی با هم متفاوت‌اند (میشل، ۱۳۵۴، ص ۷۱).

دگرگونی خانواده در ایران در یک روند تاریخی آرام و کند اما مستمر و قاطع صورت گرفته است. زمانی طولانی شکل حاکم بر خانواده در ایران، خانواده گسترده بود که بر اساس شرایع اسلامی و سنت‌های ایرانی اداره می‌شد. این خانواده بر اساس پدرتباری و پدرمکانی و اولویت جنس مذکر استوار بود و سلسله مراتبی داشت که زیر نظر پدر اداره می‌شد. فرزندان نام و نشان از پدر می‌بردند. منزلت اجتماعی زن ناچیز بود و به فرزند آوردن و انجام کارهای خانگی و گاهی کشاورزی و نساجی محدود می‌شد (بهنام، ۱۳۵۶، ص ۱۳). برخورد با تمدن صنعتی غرب و نتایج آن یعنی تغییرات ساخت اقتصادی جامعه، رواج شهرنشینی و دخالت دولت موجب تغییرات عمده در خانواده ایرانی و خصوصاً شکل شهری آن گردید. تغییرات اجتماعی روز به روز سریع‌تر شد و افکار نو و گاهی نیز آداب و رسوم غرب از طریق مطبوعات، رادیو و تلویزیون و سینما در اختیار نسل‌های جوان‌تر قرار گرفت. نفوذ تمدن غرب بیش از همه در روابط زن و مرد و فرزندان جلوه‌گر شد؛ روابط زوجین شکلی تازه به خود گرفت و زن به عنوان همدم و

همکار مرد پذیرفته شد (بهنام، ۱۳۵۶، ص ۱۴). امکانات تحرک اجتماعی موجب رشد طبقات متوسط در شهرهای ایران شد. آموزش عمومی و تخصصی، مشاغل جدیدی را به وجود آورد و صاحبان این مشاغل (در صنعت و خدمات) رفتارهای تازه و راه و رسم دیگری یافتند. همچنین تحرک مکانی کارگران و روستاییان لزوماً ابعاد و جنبه‌های گوناگون خانواده را دگرگون ساخت (بهنام، ۱۳۵۶، ص ۱۵). در کنار این تغییرات، جامعه ایرانی تحولات عمده‌ای چون انقلاب اسلامی، جنگ و تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن را تجربه نمود.

مجموعه این تحولات، تغییر ساختار و ارزش‌های خانوادگی نظام ارزشی جامعه شهری و روستایی ایرانی در ابعاد مختلف را به دنبال داشته است. در حالی که برخی تحقیقات به طور نسبی بیانگر وضعیت ارزش‌های خانوادگی جامعه شهری است، در خصوص ارزش‌های خانوادگی جامعه روستایی بعد از انقلاب مطالعه مستقلی صورت نگرفته و اولویت‌های ارزشی حاکم بر آن به طور علمی مشخص نشده است.

در این مقاله تلاش شده است که مهم‌ترین اولویت‌های ارزش‌های خانوادگی جوانان روستایی که آینده‌سازان جامعه روستایی هستند مورد شناسایی قرار گیرد. ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی مورد بررسی در این مقاله عبارت‌اند از: تشکیل خانواده، سن مناسب ازدواج، ابعاد مهم خانواده، تعداد ایده‌آل فرزندان، معیارهای گزینش همسر، نظام تصمیم‌گیری در خانواده، استقلال زن در خانواده و شکاف نسلی ارزشی.

واکاوی زمینه و پیشینه نظری پژوهش

در منابع تحقیقاتی موجود، پژوهشی را نمی‌توان یافت که به طور خاص به بررسی ارزش‌ها و گرایش‌های خانوادگی روستاییان به ویژه جوانان روستایی بپردازد. با این همه، در برخی آثار و پژوهش‌ها به طور پراکنده مطالبی درباره ارزش‌های خانوادگی

مانند اهمیت خانواده، سن مناسب ازدواج، تعداد مناسب فرزند، معیارهای گزینش همسر و نظام تصمیم‌گیری در خانواده به چشم می‌خورد.

بر اساس نتایج «پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۹ به انجام رسیده است، ۹۷/۵ درصد از پاسخگویان اهمیت زیادی برای خانواده قائل شده‌اند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۸۶).

سن مناسب ازدواج یکی از متغیرهایی است که در تحقیقات موجود به آن پرداخته شده است. بر اساس یکی از پژوهش‌ها از نظر پاسخگویان سن مناسب ازدواج دختران بدین قرار است: ۵۸/۱ درصد تا ۲۰ سال، ۳۸/۵ درصد از ۲۱ تا ۲۵ و ۳/۴ درصد ۲۶ سال و بالاتر (محسنی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۶). تحقیقی دیگر از دختران مجرد شهر تهران نشان می‌دهد که ۷۹/۰ درصد محدوده سنی ۲۱ تا ۲۵ سال و ۱۸ درصد محدوده سنی ۲۶ تا ۳۰ سال را سن مناسب ازدواج می‌دانند (ایران، ۱۳۷۸، ص ۹). همچنین پیمایش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۸۲ نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان میانگین سن مناسب ازدواج برای پسران ۲۵/۴ و دختران ۲۰/۹ سال است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۳۹). این در حالی است که بر اساس تحقیقی که در سال ۱۳۵۹ انجام شده است، از نظر روستاییان ساکن استان یزد، سن مناسب ازدواج برای پسرها تا ۲۰ سالگی و برای دخترها ۱۵ تا ۱۶ سالگی است (رفیع‌پور، ۱۳۷۴، ص ۲۲۵).

پژوهش محسنی نشان می‌دهد که از نظر ۶۷/۵ درصد از پاسخگویان، تعداد مناسب فرزند برای یک خانواده دو فرزند است (محسنی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۵). میانگین تعداد مطلوب فرزند از نظر پاسخگویان پیمایش ۱۳۸۲ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۲/۱ فرزند است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۵۵). تحقیق رفیع‌پور نشان می‌دهد که تعداد فرزند ایده‌آل روستاییان در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد؛ میانگین توزیع فراوانی پاسخگویان وی ۵ تا ۶ بچه است (رفیع‌پور، ۱۳۷۴، ص ۲۲۴).

تحقیق محسنی در مورد معیارهای گزینش همسر نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان، برای ازدواج مهم‌ترین خصوصیت یک زن خوب نجابت (۴۰/۸ درصد)، خوش اخلاقی (۲۴/۶ درصد) و اصالت خانوادگی (۱۴/۳ درصد) و یک مرد خوب خوش اخلاقی (۳۳/۴ درصد)، نجابت (۲۳/۶ درصد) و اصالت خانوادگی (۱۵/۴ درصد) است (محسنی، ۱۳۷۹، ص ۸۶). به همین ترتیب ۱۹/۴ درصد از پاسخگویان پیمایش ۱۳۸۲ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معتقدند که نجابت مهم‌ترین خصوصیت یک زن خوب برای ازدواج است؛ ایمان و تقوا (۱۷/۹ درصد)، اخلاق و رفتار خوب (۱۵/۹ درصد) از دیگر خصوصیات مهمی است که این پاسخگویان به آن اشاره نموده‌اند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۳۷). همچنین از نظر پاسخگویان مذکور مهم‌ترین خصوصیت یک مرد خوب برای ازدواج شامل با ایمان بودن (۲۲/۷ درصد)، اخلاق خوب (۲۱/۱ درصد) و صداقت (۱۴/۶ درصد) است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۳۸).

در ارتباط با نظام تصمیم‌گیری در خانه، یافته‌های پیمایش محسنی نشان می‌دهد که در پاسخ به این سوال که «در خانواده شما چه کسی تصمیمات اصلی را می‌گیرد»، ۳۵/۵ درصد شوهر، ۳۷/۰ درصد زن و شوهر، ۱۷/۰ درصد تمام افراد و ۶/۸ درصد زن را تصمیم‌گیرنده دانسته‌اند (محسنی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۱). در پیمایش ۱۳۸۲ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پاسخ‌ها به این ترتیب است: ۴۲/۳ درصد مرد، ۳۰/۶ درصد زن و شوهر، ۱۸/۹ درصد همه اعضای خانواده و ۸/۲ درصد زن (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۵۹).

یکی از بارزترین جلوه‌های در نظر گرفتن زن به عنوان یک موجود وابسته و متعلق به مرد، مخالفت با کار خارج از خانه و استقلال مالی آنها است. در پیمایش محسنی، در پاسخ به این پرسش که آیا شما با کار کردن خانم‌ها در بیرون از خانه موافق هستید یا خیر، ۵۷/۴ درصد پاسخگویان موافق و ۴۲/۶ درصد مخالف بوده‌اند (محسنی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۱). گویه مطرح شده در پیمایش ۱۳۷۹ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به این ترتیب است: «بعضی‌ها معتقدند: کار بیرون منزل وظیفه مردهاست و زن‌ها وظیفه‌شان خانه‌داری

است. شما با این نظر بیشتر موافقید یا مخالف؟» ۶۴/۴ درصد مخالف و ۲۶/۸ درصد موافق این گویه بوده‌اند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸). در پیمایش ۱۳۸۲ ارشاد سه گویه قابل استفاده است. در یکی از گویه‌ها آمده است: «بعضی‌ها معتقدند: زن‌ها وظیفه‌شان خانه‌داری است و نباید بیرون از خانه کار کنند. شما با این نظر چقدر موافق یا مخالفید؟» ۷۱/۹ درصد پاسخگویان با این گویه مخالف و ۲۱/۱ درصد موافق آن بوده‌اند. همچنین در گویه دیگری این پرسش مطرح شده است: «بعضی‌ها معتقدند: زن‌ها هم باید مثل مردان در تامین مخارج خانواده سهم باشند. شما با این نظر چقدر موافق یا مخالفید؟» از میان پاسخگویان ۵۸/۶ درصد موافق و ۲۰/۱ درصد مخالف این گویه بوده‌اند. گویه سوم به این شرح است: «بعضی‌ها معتقدند: اگر زنان از زندگی خانوادگی‌شان راضی نباشند، باید مثل مردان حق طلاق داشته باشند. شما با این نظر چقدر موافق یا مخالفید؟» در مقابل ۶۱/۰ درصد موافق، ۳۱/۴ درصد مخالف این گویه بوده‌اند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۶۴).

بر اساس نتایج پیمایش ملی ارزش‌های جوانان، در پاسخ به این گویه که «زن خوب کسی است که تابع شوهرش باشد»، ۳۱/۶ درصد مخالف، ۵۱/۷ درصد موافق و ۱۶/۷ درصد بی‌نظر بوده‌اند (پژوهشکده ملی مطالعات جوانان، ۱۳۸۳، ص ۱۹۴). گویه دیگر عبارت است از: «داشتن شغل تضمین‌کننده استقلال زن» که ۲۳/۸ درصد مخالف، ۵۶/۸ درصد موافق و ۱۹/۴ درصد بی‌نظر داشته است (پژوهشکده ملی مطالعات جوانان، ۱۳۸۳، ص ۱۹۸). گویه سوم این است که «یک زن در هر شرایطی بهتر است خانه‌دار باشد تا شاغل»، که از میان پاسخگویان، ۳۲/۰ درصد موافق و ۵۳/۳ درصد مخالف آن بوده‌اند (پژوهشکده ملی مطالعات جوانان، ۱۳۸۳، ص ۲۰۰). «زنان به دلیل احساساتی بودن نمی‌توانند در امور مهم زندگی به درستی تصمیم بگیرند» آخرین گویه این پژوهش است که در مقابل ۴۹/۵ درصد مخالفت، ۳۶/۵ درصد موافق آن بوده‌اند (پژوهشکده ملی مطالعات جوانان، ۱۳۸۳، ص ۱۹۲).

یافته‌های برخی از تحقیقات در زمینه پدیده شکاف بین‌نسلی، گویای این مسئله است که تفاوت‌های کمی در بین نسل گذشته (والدین) و نسل جدید (فرزندان) در بسیاری از موارد دیده می‌شود. آزاد ارمکی بر اساس نتایج پژوهشی که در خصوص شکاف نسلی در خانواده در سطح شهر تهران انجام شد، چنین نتیجه‌گیری کرد که با توجه به عوامل بیرونی اثرگذار بر خانواده و افزایش جمعیت جوان و نیازهای آنها، جامعه ایرانی با تفاوت نسلی روبرو شده است. ضمن این که نسل پیران و نوجوانان و کودکان وجود دارند، جوانان به عنوان یک گروه اجتماعی جدید مطرح شده‌اند. جوانان از لحاظ نحوه گذران اوقات، دوست یابی، علایق و نیازها و توجه به زندگی خانوادگی با پیران متفاوتند، اما این تفاوت به گونه‌ای نیست که آنها را در مقابل یکدیگر قرار دهد. با توجه به اهمیت خانواده در نزد خانواده‌های تهرانی و اهمیت آداب و سنن، هنجارها و نظام ارزشی خانواده از منظر اکثریت آنها، خانواده توانسته است تا حدود زیادی حوزه ارتباطی بین نسلی باشد. به عبارت دیگر، عوامل خانوادگی به عنوان سازوکارهای فرا نسلی عمل نموده و سه نسل را با یکدیگر پیوند داده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰، ص ۶۹).

بر اساس یافته‌های تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، به نظر می‌رسد ارزش‌های عمومی و پایه‌ای در ایران بین رده‌های گوناگون سنی از احترام یکسانی برخوردار باشند. به عبارت دیگر، شکاف نسلی قابل توجهی در حوزه عمومی و باورهای مربوط به آن مشاهده نمی‌شود و نوعی پیوستگی معنادار میان گروه‌های سنی مختلف از نظر ارزش‌های عمومی ملاحظه می‌گردد. این نوع باورهای پیوند دهنده، به نوعی فرهنگ عمومی^(۱) جامعه را تشکیل می‌دهد که بخشی از هویت هر یک از ما را مشخص می‌کند. گروه‌های سنی مختلف از حیث ارزش‌هایی همچون صداقت، عدالت، دموکراسی، میزان آزادی فعالیت احزاب و گروه‌های قانونی در جامعه، محترم شمردن حیثیت افراد در جامعه، جدایی دین از سیاست و انتقاد از حکومت تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. ولی به نظر می‌رسد جایگاه تفاوت‌ها و شکاف‌های میان نسل‌ها در

ایران، بیش از هر جای دیگر به امور خصوصی، همچون باورهای دینی، سبک زندگی، نوع پوشش و به‌طور کلی سلیقه‌ها مربوط می‌شود. بر اساس یافته‌های طرح پژوهشی «گسست و تداوم نسلی»، در پاسخ به این سؤال که «خودتان را تا چه اندازه مذهبی می‌دانید»، تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین گروه‌های سنی وجود دارد. گروه سنی جوان به نحو قابل توجهی خود را کمی مذهبی می‌داند یا اینکه اصلاً مذهبی نمی‌داند. همچنین در ارزیابی میزان تقید مردم به خواندن نماز، در مقایسه با گذشته، تفاوت معناداری بین نگرش‌های گروه‌های سنی وجود دارد، به این صورت که گروه‌های سنی پایین‌تر، نگاه منفی‌تری نسبت به وضعیت فعلی جامعه از نظر میزان مقید بودن به خواندن نماز دارند. این گروه، بیش از گروه‌های سنی بالاتر، بر این باور است که مردم در گذشته به نماز خواندن مقیدتر بوده‌اند. همچنین این شکاف را در باور به نماز خواندن، میزان شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه، گرفتن روزه، مسجد رفتن، تقلید از مراجع و ... به وضوح می‌توان ملاحظه کرد (کارگاه تحلیل یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲).

نظریه میدانی^(۲) لوین (Lewin) به بررسی عوامل مؤثر بر ارزش‌های مختلف از جمله ارزش‌های خانوادگی مربوط می‌شود. بر اساس این نظریه، رفتار انسانی از عوامل مختلف و به هم پیوسته‌ای تحت عنوان نیروهای میدانی پیروی می‌کند. لوین این عوامل را به دو گونه خصوصیات شخصی و محیطی تقسیم می‌کند (رفیع‌پور، ۱۳۷۴، ص ۵۹). اینگلهارت (Ingelhart, 2000) سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی، سطح تحصیلات، سن، میزان ارتباطات، وضعیت اقتصادی و رضایت از زندگی را از عوامل مؤثر بر ارزش‌های افراد می‌داند (Ingelhart, 2000 و اینگلهارت، ۱۳۷۲). به عقیده شرام^(۳) در جامعه سنتی وسایل ارتباطی گسترش چندانی ندارد و از کارایی چندانی برخوردار نیست. این در حالی است که برقراری تماس با وسایل ارتباطی می‌تواند در تغییرات ارزشی و گرایش‌های بسیار مؤثر باشد (ازکیا، ۱۳۶۴، ص ۶۷). خسروی نیز میزان ارتباط با شهر و استفاده از وسایل

ارتباطی را از عوامل مؤثر بر ارزش‌های روستاییان می‌داند (خسروی، ۱۳۵۸، ص ۱۲۳). قابلیت دسترسی روستا، رضایت از زندگی، سن و وضعیت اقتصادی از عواملی هستند که در تحقیقات رفیع‌پور مؤثر بودنشان بر ارزش‌های روستاییان به اثبات رسیده است (رفیع‌پور، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۴).

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با توجه به اینکه به بررسی عوامل مؤثر بر ارزش‌های خانوادگی جوانان روستایی می‌پردازد، از نوع تحقیق علی^(۴) محسوب می‌شود. در انجام این پژوهش از دو روش اسنادی و پیمایشی^(۵) استفاده شده است. در بخش اسنادی، منابع موجود برای تعیین متغیرها و ابزار مناسب برای سنجش آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق در قالب ارزش‌های خانوادگی بدین شرح است: تشکیل خانواده، سن مناسب ازدواج، ابعاد مهم خانواده، تعداد فرزند ایده‌آل، معیارهای گزینش همسر، نظام تصمیم‌گیری در خانواده، استقلال زن در خانواده و شکاف نسلی ارزشی. همچنین عوامل مؤثر بر ارزش‌های خانوادگی را می‌توان چنین طبقه‌بندی نمود:

- ۱- عوامل محیطی: شرایط اقلیمی، سطح توسعه‌یافتگی روستا و قابلیت دسترسی روستا.
- ۲- عوامل فردی: جنسیت، سن، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت اقتصادی، میزان استفاده از وسایل ارتباطی، میزان ارتباط با مراکز شهری و میزان رضایت از زندگی.

مراحل مختلفی که جهت انجام پژوهش حاضر در چارچوب این روش دنبال گردید به شرح ذیل است: تحدید دقیق موضوع و اهداف؛ جمع‌آوری و بررسی اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی موجود در خصوص موضوع؛ تعیین روش‌ها، ابزار و گویه‌های لازم برای اندازه‌گیری متغیرها؛ تدوین پرسشنامه؛ انجام پیش‌آزمون^(۶) برای سنجش روایی و اعتبار پرسشنامه و اصلاح آن و کسب اطلاعات موردنیاز برای تعیین تعداد نمونه؛ تعیین جامعه آماری، جامعه نمونه و روش نمونه‌گیری؛ تعیین پرسشگران و

آموزش آنها؛ جمع‌آوری اطلاعات، استخراج اطلاعات و تجزیه و تحلیل آماری آنها با استفاده از کامپیوتر؛ و نتیجه‌گیری و تدوین مقاله نهایی.

برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد. برای تدوین پرسشنامه، منابع موجود بررسی شد و سؤالات و گویه‌های مناسب سنجش متغیرها انتخاب گردید و متناسب با شرایط فرهنگی - اجتماعی جامعه مورد اصلاح قرار گرفت. همچنین در مورد متغیرهایی که ابزار سنجش مناسب آن به دست نیامده بود، سؤالات و گویه‌های موردنیاز طراحی گردید. در مرحله بعد، این سؤالات و گویه‌ها در قالب یک پرسشنامه مقدماتی تنظیم شد و با انجام پیش‌آزمون و ارزیابی اعتبار و روایی آن، اصلاحات مورد نیاز در آن به عمل آمد، و در پایان پرسشنامه نهایی تدوین گردید. به منظور سنجش روایی پرسشنامه با روش بازآزمایی، ابتدا تعداد ۲۰ پرسشنامه بین نمونه منتخب توزیع شد و سپس بعد از گذشت ۱۰ روز همان پرسشنامه بین همان نمونه توزیع گردید. ضریب همبستگی بین این دو آزمون ۰/۹۴ برآورد گردید که در سطح ۵ درصد ($\alpha = 0.05$) معنادار بود. همچنین برای ارزیابی میزان سازگاری درونی سؤالات مورد استفاده برای سنجش متغیرها از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. در مرحله پایانی، داده‌ها جمع‌آوری شده وارد رایانه شد و به وسیله نرم‌افزار آماری SPSS در دو سطح توصیفی و تحلیلی مورد تحلیل قرار گرفت.

جامعه آماری افراد ۱۸ تا ۳۰ ساله ساکن مناطق روستایی استان اصفهان را در بر می‌گیرد که براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵، تعداد آنها ۲۳۴۴۸۳ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶). حجم نمونه مطابق با فرمول کوکران^(۷) ۵۴۴ محاسبه شد. روش نمونه‌گیری این پژوهش، روش چند مرحله‌ای است که در مراحل مختلف و متناسب با شرایط از روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای، طبقه‌ای متناسب، نظام‌مند و تصادفی ساده نیز استفاده شده است. چارچوب نمونه‌گیری در مرحله نخست به ۷۶۲ روستای دارای ۵۰ خانوار و بیشتر استان اصفهان محدود گردید.

در مرحله دوم، روستاها از نظر شرایط اقلیمی^(۸) به سه منطقه تقسیم گردید: منطقه یک (دارای آب و هوای خشک و بیابانی) شامل نقاط روستایی شهرستان اردستان، کاشان، نائین و نطنز، منطقه دو (دارای آب و هوای نیمه خشک) شامل روستاهای اصفهان، برخوار و میمه، خمینی شهر، خوانسار، شهرضا، فلاورجان، گلپایگان، لنجان، مبارکه و نجف آباد و منطقه سه (دارای آب و هوای کوهستانی) شامل روستاهای شهرستان های سمیرم، فریدن و فریدونشهر. توزیع فراوانی روستاهای استان اصفهان در منطقه یک ۱۲۰، منطقه دو ۵۰۱ و منطقه سه ۱۴۱ روستاست. برای نمونه گیری در این مرحله، با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای، در منطقه یک شهرستان اردستان، در منطقه دو شهرستان های اصفهان و مبارکه و در منطقه سه شهرستان فریدن انتخاب شدند. در مرحله بعد، ۳۱ روستا (۱۰ درصد روستاهای شهرستان نمونه) با استفاده از روش های نمونه گیری طبقه ای متناسب و نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و با استفاده از روش نمونه گیری نظام مند در روستاهای نمونه نسبت به جمع آوری داده ها اقدام شد. برای سهولت مقایسه آماره ها، مقیاس های ترتیبی به شیوه زیر کدگذاری شده اند:

خیلی کم = ۱ ، کم = ۲ ، متوسط = ۳ ، زیاد = ۴ ، خیلی زیاد = ۵

یافته های پژوهش

نتایج توصیفی

مشخصات محیطی و فردی

از نظر شرایط اقلیمی، ۱۲/۳ درصد از پاسخگویان در مناطق دارای آب و هوای خشک و بیابانی (منطقه یک)، ۶۶/۰ درصد از آنها در مناطق دارای آب و هوای نیمه خشک (منطقه دو)، و ۲۱/۷ درصد باقی مانده در مناطق دارای آب و هوای کوهستانی (منطقه سه) زندگی می کنند؛ همچنین از نظر سطح توسعه یافتگی محل سکونت، ۵۷/۸ درصد در روستاهای توسعه نیافته، ۴۰/۷ درصد در روستاهای کم تر توسعه یافته و ۱/۵ درصد

در روستاهای واجد شرایط توسعه زندگی می‌کنند. منظور از قابلیت دسترسی، فاصله روستا تا مراکز شهرستان‌ها و استان است. بر اساس شاخص محاسبه شده، میانگین فاصله روستاهای محل سکونت پاسخگویان تا مرکز شهرستان و مرکز استان ۱۰۹/۹ کیلومتر است.

از نظر مشخصات فردی، ۵۳/۸ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۶/۲ درصد از آنها زن هستند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۲/۵ سال با انحراف معیار ۳/۶ است. توزیع سطح تحصیلات بدین قرار است: ۳/۱ درصد خواندن و نوشتن، ۲۳/۵ درصد ابتدایی، ۲۷/۳ درصد راهنمایی، ۱۶/۴ درصد متوسطه، ۲۳/۳ درصد پیش دانشگاهی و دیپلم و ۶/۴ درصد دانشگاهی. همچنین ۵۴/۹ درصد پاسخگویان مجرد و ۴۵/۱ درصد متأهل هستند. وضعیت اقتصادی پاسخگویان چنین است: ۴۳/۲ درصد ضعیف، ۳۴/۷ درصد متوسط و ۲۲/۱ درصد خوب.

میزان استفاده ۱۶/۲ درصد از پاسخگویان از وسایل ارتباطی در حد خیلی کم، ۴۰/۸ درصد در حد کم، ۲۳/۹ درصد در حد متوسط، ۱۵/۲ درصد در حد زیاد و ۳/۹ درصد در حد خیلی زیاد است. از لحاظ ارتباط با مراکز شهری، ۳۱/۶ درصد از پاسخگویان حداکثر یک بار، ۳۹/۱ درصد دو تا پنج بار، ۱۴/۸ درصد ۶ تا ۱۰ بار و ۱۴/۵ درصد بیشتر از ۱۰ بار در ماه به مراکز شهری می‌روند. از نظر میزان رضایت از زندگی، ۶/۴ درصد در حد خیلی کم، ۲۸/۷ درصد در حد کم، ۴۲/۱ درصد در حد متوسط، ۲۰/۶ درصد در حد زیاد و ۲/۲ درصد در حد خیلی زیاد قرار دارند.

تشکیل خانواده

از نظر هاریس^(۹) ازدواج و تشکیل نهاد خانواده برای انجام وظایف خانواده به وجود آمده است یعنی تولید نسل، پرورش کودکان و انتقال فرهنگ وسیله‌ای است برای ایجاد نظم در روابط افراد. مالینوسکی نیز اظهار می‌دارد که اصل مشروعیت یک اصل موضوعه جهانی است که بر اساس آن در تمام جوامع انسانی حاملگی مستلزم ازدواج

است. گرچه نظرات مالینوفسکی مورد مخالفت برخی دیگر از جامعه‌شناسان قرار گرفت ولی حتی در کشورهای صنعتی نیز ازدواج هنوز عمومیت خود را حفظ کرده است (میشل، ۱۳۵۴، ص ۱۳۷ و ۱۳۸).

طبق جدول ۱، ۲۹/۵ درصد از پاسخگویان در پاسخ به این سؤال که «در صورت مجرد بودن، چقدر مایل هستید ازدواج کنید و تشکیل خانواده بدهید»، تمایل زیادی به ازدواج و تشکیل خانواده داشته‌اند. چنانکه میشل نیز اظهار می‌دارد، تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده تحت تاثیر تحولات اقتصادی، اجتماعی و سطح زندگی جوامع قرار دارد (میشل، ۱۳۵۴، ص ۱۳۸). به نظر می‌رسد شرایط اقتصادی حاکم همراه با تغییرات اجتماعی کشور بر جامعه روستایی نیز موثر بوده و از تمایل جوانان روستایی به ازدواج تا حدود زیادی کاسته است.

جدول ۱- توزیع درصد فراوانی و آماره‌های تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده

آماره‌ها					درصد فراوانی						فراوانی مطلق
تعداد افراد	میانگین	بزرگ‌تر	کوچک‌تر	بزرگ‌تر از اول	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم		
۱/۳	۲/۹	۴/۰	۳/۰	۲/۰	۱۳/۴	۱۶/۱	۳۲/۶	۲۰/۵	۱۷/۴	۲۹۸	تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده

منبع: یافته‌های پژوهش

سن مناسب ازدواج

مطابق با جدول ۲، از نظر پاسخگویان میانگین سن مناسب ازدواج دختران ۱۹/۳ و پسران ۲۴ سال است. به نظر می‌رسد که شرایط دشوار اقتصادی بر نگرش پاسخگویان

نسبت به سن مناسب ازدواج موثر بوده است چرا که جوانان روستایی در مقایسه با نسل‌های پیشین سنین بالاتری را برای ازدواج مناسب می‌دانند.

جدول ۲- توزیع درصد فراوانی و آماره‌های سن مناسب ازدواج

سن مناسب ازدواج	درصد فراوانی										آماره‌ها
	تعداد پاسخ معتبر	تا ۱۶ سال	۱۷-۱۸	۱۹-۲۰	۲۱-۲۲	۲۳ و بیشتر	تارک اول	تارک دوم	تارک سوم	میانگین	
دختران	۵۴۴	۷/۵	۳۳/۱	۴۰/۷	۱۱/۴	۷/۲	۱۸/۰	۲۰/۰	۲۰/۰	۱۹/۳	۲/۲
پسران	۵۴۵	۷/۳	۱۶/۹	۲۵/۰	۴۲/۶	۸/۳	۲۳/۰	۲۵/۰	۲۴/۰	۲/۳	

منبع: یافته‌های پژوهش

ابعاد مهم خانواده

به منظور بررسی ابعاد مهم خانواده، فهرستی به شرح جدول ۳ در اختیار پاسخگویان قرار گرفت و از آنان خواسته شد تا نظر خود را پیرامون میزان اهمیت این متغیرها برای یک ازدواج موفق بیان کنند. ایمان مذهبی با میانگین ۴/۸، احترام و قدردانی متقابل با میانگین ۴/۵، تفاهم و مدارا با میانگین ۴/۴ و برخورداری از طرز تفکر یکسان با میانگین ۴/۱ به ترتیب مهم‌ترین عوامل مؤثر در یک ازدواج موفق به شمار رفته‌اند.

جدول ۳- توزیع درصد فراوانی و آماره‌های ابعاد مهم خانواده

ابعاد مهم خانواده	درصد فراوانی										آماره‌ها
	تعداد پاسخ معتبر	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	تارک اول	تارک دوم	تارک سوم	میانگین	
درآمد مناسب	۵۴۳	۰/۶	۲/۶	۳۵/۰	۳۴/۳	۲۷/۶	۳/۰	۴/۰	۵/۰	۳/۹	۰/۹

۱/۰	۳/۱	۴/۰	۳/۰	۳/۰	۹/۴	۱۸/۹	۴۷/۴	۱۸/۳	۵/۹	۵۴۰	خانه‌واتومبیل
۰/۶	۴/۸	۵/۰	۵/۰	۵/۰	۸۱/۵	۱۴/۸	۲/۸	۰/۶	۰/۴	۵۴۲	ایمان مذهبی
۰/۹	۴/۱	۵/۰	۴/۰	۴/۰	۴۰/۶	۳۵/۶	۲۰/۰	۳/۲	۰/۶	۵۳۹	برخورداری از طرز تفکر یکسان
۰/۷	۴/۵	۵/۰	۵/۰	۴/۰	۵۹/۸	۳۳/۰	۵/۵	۱/۷	-	۵۴۲	احترام و قدردانی متقابل
۱/۱	۳/۴	۴/۰	۳/۰	۳/۰	۲۰/۶	۲۶/۳	۳۲/۴	۱۴/۴	۶/۳	۵۴۳	بچه‌دارشدن
۱/۰	۳/۹	۵/۰	۴/۰	۳/۰	۳۱/۵	۳۳/۰	۲۹/۵	۴/۷	۱/۳	۵۳۶	روابط خوب جنسی
۰/۷	۴/۴	۵/۰	۵/۰	۴/۰	۵۶/۴	۳۴/۳	۷/۸	۱/۱	۰/۴	۵۳۹	تفاهم و مدارا
۱/۰	۳/۸	۵/۰	۴/۰	۳/۰	۲۶/۷	۳۲/۷	۳۳/۳	۵/۳	۲/۰	۵۴۴	تقسیم وظایف خانه

منبع: یافته‌های پژوهش

تعداد فرزند ایده‌آل

تنظیم خانواده یکی از سیاست‌های مهمی است که در جوامعی که خواهان کنترل رشد جمعیت خود هستند باید مورد توجه قرار گیرد. برنامه‌های تنظیم خانواده هنگامی موفقیت‌آمیز خواهد بود که از نظر ذهنی و گرایشی آمادگی لازم در جامعه به وجود آمده باشد. چگونگی نگرش نسبت به تعداد مناسب فرزند یکی از عوامل تاثیرگذار در این زمینه است. طبق جدول ۴، ۸۱ درصد پاسخگویان تعداد فرزند ایده‌آل خود را ۲ بچه ذکر کرده‌اند.

جدول ۴- توزیع درصد فراوانی و آماره‌های تعداد فرزند ایده‌آل

آماره‌ها	درصد فراوانی
----------	--------------

تعداد پاسخ معتبر	۱	۲	۳	۴	۵	چارک اول	چارک دوم	چارک سوم	میانه	انحراف معیار
تعداد	۵۴۳	۸۱/۰	۹/۲	۱/۴	۰/۲	۲/۰	۲/۰	۲/۰	۲/۱	۰/۶
فرزند	۵/۵	۸۱/۰	۹/۲	۱/۴	۰/۲	۲/۰	۲/۰	۲/۰	۲/۱	۰/۶
ایده آل	۵/۵	۸۱/۰	۹/۲	۱/۴	۰/۲	۲/۰	۲/۰	۲/۰	۲/۱	۰/۶

منبع: یافته‌های پژوهش

معیارهای گزینش همسر

طبق جدول ۵، در پاسخ به این سؤال که «مهم‌ترین خصوصیت یک همسر خوب برای ازدواج چیست»، ۶۶ درصد پاسخگویان با ایمان بودن را ذکر کرده‌اند. نجابت (۲۳/۶ درصد) دومین خصوصیت به شمار رفته است.

جدول ۵- توزیع درصد فراوانی معیارهای گزینش همسر

معیارهای گزینش همسر	درصد فراوانی
توانایی تأمین معاش	۳/۶
نجابت	۲۳/۶
خوش قیافه بودن	۰/۶
با ایمان بودن	۶۶/۰
خوش اخلاقی	۴/۹
پولدار بودن	۰/۶
تحصیلات بالا	۰/۹

منبع: یافته‌های پژوهش

نظام تصمیم‌گیری در خانواده

چگونگی نظام تصمیم‌گیری در خانواده یکی دیگر از ابعاد مهم خانواده را تشکیل می‌دهد. پارسنز معتقد است گذر از خانواده پدرسالار^(۱۰) و افقی شدن مستمر و بی‌وقفه هرم قدرت در خانواده‌ها، موجبات بسط فرایند دموکراسی را فراهم می‌آورد (محسنی، ۱۳۷۹، ص ۹۸). در پژوهش حاضر برای بررسی نظر پاسخگویان در خصوص نظام تصمیم‌گیری در خانواده از آنان سؤال شد: «از نظر شما تصمیمات اصلی در خانواده توسط چه کسی باید گرفته شود؟» با توجه به جدول ۶، از نظر ۵۰/۶ درصد پاسخگویان تصمیمات اصلی در خانواده باید با مشارکت تمام اعضای خانواده گرفته شود. ۳۵/۵ درصد پاسخگویان معتقدند تصمیمات اصلی در خانواده بایستی توسط زن و شوهر گرفته شود.

جدول ۶- توزیع درصد فراوانی چگونگی اتخاذ تصمیمات در خانواده

تعداد پاسخ معتبر	شوهر	زن و شوهر	زن	تمام اعضای خانواده
۵۴۳	۱۳/۴	۳۵/۵	۰/۴	۵۰/۶

منبع: یافته‌های پژوهش

استقلال زن در خانواده

ارزش مرد و زن در جوامع سنتی یکسان نیست. در جوامع سنتی تا حدود زیادی میان این دو جنس تبعیض وجود دارد (تقوی، ۱۳۷۴، ص ۷۰). یکی از خصوصیات خانواده پدرسالار، عدم پذیرش موجودیت مستقل برای زن در درون خانواده است. زن موجودی وابسته، فاقد استقلال و متعلق به شوهر قلمداد می‌شود. از این رو، مرد در مقام شوهر زن را مایملک خود می‌داند. این مسئله محدودیت‌های زیادی را برای زن چه در محیط خانه و چه در خارج از خانه به وجود می‌آورد.

برای بررسی نظر پاسخگویان در خصوص استقلال زن در خانواده از سه گویه به شرح جدول ۷ استفاده شده است. شاخص استقلال زن در خانواده که با ترکیب سه گویه مذکور محاسبه گردیده است نشان می‌دهد که نیمی از پاسخگویان پایین‌تر از حد متوسط و نیمی دیگر بالاتر از آن قرار می‌گیرند. میانگین شاخص کمی بالاتر از حد متوسط یعنی ۳/۲ است.

جدول ۷- توزیع درصد فراوانی و آماره‌های استقلال زن در خانواده

انحراف معیار	آماره‌ها					درصد فراوانی					گویه ها و شاخص استقلال زن
	میانگین	پارک سوم	پارک دوم	پارک اول	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	عدد پاسخ صحیح	
۱/۱	۳/۷	۵/۰	۴/۰	۳/۰	۲۶/۱	۲۹/۷	۳۱/۲	۹/۵	۳/۵	۵۴۵	همزن و هم شوهر باید درکسب درآمد خانواده نقش داشته باشند.
۱/۲	۲/۷	۴/۰	۳/۰	۲/۰	۸/۳	۱۷/۱	۲۷/۸	۲۶/۵	۲۰/۳	۵۴۳	داشتن یک شغل بهترین راهی است که به زن استقلال می دهد.
۱/۴	۳/۲	۴/۰	۳/۰	۲/۰	۲۱/۸	۲۲/۴	۲۱/۷	۱۸/۹	۱۵/۲	۵۴۵	درآمد بیشتر زن در خانواده مشکل ساز خواهد بود.
۰/۸	۳/۲	۴/۰	۳/۰	۳/۰	۷/۰	۲۴/۸	۵۴/۹	۱۲/۸	۰/۶	۵۴۱	شاخص استقلال زن در خانواده

منبع: یافته‌های پژوهش

شکاف نسلی ارزشی

تفاوت و شکاف میان نسل جوان و نسل گذشته یکی از اساسی‌ترین چالش‌های موجود در جامعه امروز است. شکاف^(۱۱) در جامعه‌شناسی به آن دسته از تمایزات و تفاوت‌های پایداری اشاره دارد که در جریان تقابل‌های سیاسی و اجتماعی بروز می‌کند. شکاف نسلی^(۱۲) به معنی تفاوت‌های دانشی، ارزشی، گرایشی و رفتاری بین دو نسل (از قبیل والدین و فرزندان) با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با والدین با وجود این که در یک فضای فرهنگی واحد زندگی می‌کنند، اطلاعات، ارزش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوتی دارند. شکاف نسلی هنگامی محقق می‌شود که واحدهای نسلی شکل بگیرد. کارل مانهایم نیروی جدیدی را که دارای موقعیت‌های جدید و تجربیات متفاوت باشد زمینه‌ساز شکل‌گیری واحدهای نسلی می‌داند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰، ص ۵۶).

در ادبیات جامعه‌شناسی دهه‌های اخیر، بسیاری از متفکران مسئله تفاوت و تزاخم نسل‌ها را یکی از عمده‌ترین پدیده‌های جامعه جدید تلقی کرده‌اند. ادعای اصلی این است که در جامعه جدید در کنار تفاوت‌های طبقاتی، قومی و نژادی، دو مؤلفه جدید با عناوین «تفاوت جنسی» و «تفاوت نسلی» شکل گرفته است. زن بودن در مقابل مرد بودن و جوانی در مقابل پیری و کودکی تا حدود زیادی روند تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه را توجیه می‌کند. هر قدر که جامعه توسعه می‌یابد و در روند نوسازی قرار می‌گیرد به همان نسبت بر تفاوت نسل‌ها افزوده می‌شود. از این رو، برخلاف گذشته، کودکی، نوجوانی، جوانی و میانسالی و پیری فقط به عنوان مؤلفه‌های جمعیتی مطرح نیستند بلکه مؤلفه‌هایی اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شوند که منشأ حرکت‌های بسیاری هستند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰، ص ۵۸).

شکاف نسلی با کشمکش نسلی تفاوت دارد. در مورد شکاف نسلی واحدهای نسلی به رغم تجربیات متفاوت، در کلیت فرهنگی اجتماعی به تعامل می‌پردازند، در صورتی که کشمکش نسلی به موقعیتی اطلاق می‌شود که بین دو موقعیت متفاوت نسلی بر سر ارزش‌ها به جای تعامل، تعارض بروز کند. شکاف نسلی اشاره به نوعی عدم تعانس و ناسازگاری در منافع و سوگیری‌ها و مطالبات نسل‌ها دارد.

برای سنجش شکاف نسلی از نظر ارزشی از پاسخگویان خواسته شد در مورد مسائلی که شرح آنها در جدول ۸ آمده است میزان شباهت طرز تفکر خود و والدین‌شان را مشخص نمایند. جدول ۸ نشان می‌دهد که به ترتیب عقاید مذهبی (۴/۴)، ویژگی‌های همسر مناسب (۴/۳) و شغل مناسب (۴/۱) مهم‌ترین مسائلی هستند که پاسخگویان در مورد آنها با والدین‌شان تشابه دارند. مسائل سیاسی (۲/۹) و سکونت در روستا یا مهاجرت از آن (۳/۰) از موضوعاتی هستند که پاسخگویان احساس می‌کنند درباره آنها با والدین‌شان شباهت کم‌تری دارد. برای محاسبه شاخص شکاف نسلی ارزشی، شش سؤال جدول مذکور ابتدا معکوس شده سپس با هم ترکیب گردیده‌اند. از این رو، افزایش

شاخص مذکور به معنای افزایش شکاف نسلی است. بر اساس این شاخص، شکاف نسلی ارزشی نیمی از پاسخگویان کم‌تر از حد کم و نیمی دیگر بیشتر از آن است. میانگین شکاف نسلی ارزشی بیشتر از حد کم (۲/۳) و دارای انحراف معیار ۰/۷ است.

جدول ۸- توزیع درصد فراوانی و آماره‌های شاخص شکاف نسلی ارزشی

آماره‌ها		درصد فراوانی						سؤالات و شاخص شکاف نسلی ارزشی			
انحراف معیار	میانگین	چارک سوم	چارک دوم	چارک اول	کمترین زیاد	زیاد	میانگین		بیشتر از حد کم	کمتر از حد کم	
۱/۲	۳/۰	۴/۰	۳/۰	۲/۰	۱۳/۱	۱۸/۰	۳۹/۴	۱۶/۶	۱۲/۹	۵۴۳	سکونت در روستا یا مهاجرت از آن
۰/۹	۴/۱	۵/۰	۴/۰	۴/۰	۴۰/۷	۴۰/۴	۱۲/۵	۲/۰	۲/۴	۵۴۵	شغل مناسب
۱/۱	۳/۷	۵/۰	۴/۰	۳/۰	۲۹/۲	۲۸/۱	۲۷/۰	۱۰/۸	۴/۸	۵۴۴	ادامه تحصیلات
۱/۱	۲/۹	۴/۰	۳/۰	۲/۰	۸/۷	۱۸/۵	۳۸/۰	۲۴/۹	۱۰/۰	۵۴۲	مسائل سیاسی کشور
۰/۸	۴/۴	۵/۰	۵/۰	۴/۰	۵۱/۷	۳۵/۵	۱۰/۷	۱/۳	۰/۷	۵۴۳	عقاید مذهبی
۰/۹	۴/۳	۵/۰	۵/۰	۴/۰	۵۰/۹	۳۰/۷	۱۳/۶	۲/۶	۲/۲	۵۴۴	ویژگی‌های همسر مناسب
۰/۷	۲/۳	۳/۰	۲/۰	۲/۰	-	۲/۴	۳۴/۸	۵۳/۸	۸/۸	۵۳۷	شاخص شکاف نسلی ارزشی

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل روابط میان متغیرها

در این بخش، روابط میان متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته بررسی می‌شود. بدین منظور از کای اسکوتر، ضریب کرامر، آزمون t استودنت، تحلیل واریانس یک عاملی و آزمون توکی و تحلیل مسیر استفاده به عمل آمده است. با توجه به تعداد زیاد متغیرهای مورد بررسی و تنوع روش‌های آماری از آوردن جداول خودداری می‌کنیم و به تشریح برخی از روابط مهم معنادار بسنده می‌نماییم.

نتایج نشان می‌دهد که شرایط اقلیمی یکی از متغیرهای مهم و مؤثر است. شرایط اقلیمی با تحمیل شیوه زندگی باعث به وجود آمدن فرهنگ خاصی می‌شود. آن دسته از جوانان روستایی که در مناطق دارای آب و هوای خشک و بیابانی یا دارای آب و هوای نیمه خشک زندگی می‌کنند کم‌تر از جوانان مناطق دارای آب و هوای کوهستانی تمایل به تشکیل خانواده دارند، به ازدواج در سنین بالاتر گرایش نشان می‌دهند، و تعداد فرزند کم‌تری را مناسب می‌دانند. به علاوه، جوانان ساکن در روستاهای نزدیک‌تر به مناطق شهری رغبت کم‌تری به ازدواج و داشتن فرزند زیاد دارند. تاثیر فرهنگ شهری بر روستاهای نزدیک‌تر، مهم‌ترین عامل مؤثر بر این‌گونه تفاوت‌های ارزشی است. سن مناسب ازدواج از نظر پاسخگویان زن بالاتر از پاسخگویان مرد است. همچنین با افزایش سن و کاهش تحصیلات، تمایل پاسخگویان به تشکیل خانواده و اهمیت بچه‌دار شدن افزایش می‌یابد. جوانانی که تحصیل کرده‌تر و دارای وضعیت اقتصادی بهتری هستند و از رسانه‌های جمعی بیشتر استفاده می‌کنند از زندگی خود رضایت بیشتری دارند و ازدواج در سنین بالاتر را مناسب‌تر می‌دانند.

تحلیل چندمتغیره ارزش‌های خانوادگی

نمودار ۱ اثرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل مؤثر بر شاخص ارزش‌های خانوادگی را نشان می‌دهد. برای تهیه این شاخص، متغیرهای سن مناسب ازدواج، ابعاد مهم خانواده و شکاف نسلی ارزشی با یکدیگر ادغام شدند و سایر متغیرها به دلایلی نظیر عدم شمول همه جامعه آماری، اسمی بودن مقیاس و یا عدم برخورداری از حداقل سازگاری درونی با سایر متغیرها حذف گردیدند.

بر اساس نمودار مذکور، در بین متغیرهای مستقل مورد بررسی، رضایت از زندگی، جنسیت، سطح تحصیلات، استفاده از رسانه‌های جمعی و شرایط اقلیمی به طور مستقیم بر ارزش‌های خانوادگی تأثیر می‌گذارند. مهم‌ترین عامل مؤثر، سطح تحصیلات با ضریب ۰/۲۶ است که با افزایش آن ارزش‌های خانوادگی پاسخگویان افزایش می‌یابد. ارزش‌های خانوادگی

زنان بیشتر از مردان است. ضریب اثر متغیر جنسیت ۰/۱۳ است. همچنین ضریب ارزش‌های خانوادگی پاسخگویان منطقه سه بیشتر از پاسخگویان مناطق یک و دو یعنی ۰/۱۴ است.

با افزایش رضایت از زندگی بر میزان ارزش‌های خانوادگی پاسخگویان با ضریب ۰/۰۹ افزوده می‌شود. آخرین متغیری که اثر مستقیم بر ارزش‌های خانوادگی دارد، استفاده از رسانه‌های جمعی با ضریب ۰/۰۹ است که با افزایش آن ارزش‌های خانوادگی نیز بالا می‌رود.

متغیرهای جنسیت و شرایط اقلیمی علاوه بر اثرات مستقیم، به‌طور غیرمستقیم نیز بر ارزش‌های خانوادگی تأثیر می‌گذارند. جنسیت با اثرگذاری بر متغیرهای رضایت از زندگی، وضعیت تأهل، ارتباط با مراکز شهری و سطح تحصیلات و شرایط اقلیمی با تحت تأثیر قرار دادن سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی، بر ارزش‌های خانوادگی اثر غیرمستقیم می‌گذارند. مجموع اثر غیر مستقیم جنسیت ۰/۰۶ و مجموع اثرات آن ۰/۱۹ و مجموع اثر غیرمستقیم شرایط اقلیمی ۰/۰۴ و مجموع اثرات آن ۰/۱۸ است.

متغیر سن به واسطه رضایت از زندگی، سطح تحصیلات، ارتباط با مراکز شهری، وضعیت اقتصادی و وضعیت تأهل با ضریب ۰/۱۰ بر ارزش‌های خانوادگی به‌طور غیرمستقیم تأثیر می‌گذارد. مجموع ضریب اثر غیرمستقیم وضعیت تأهل بر ارزش‌های خانوادگی ۰/۰۳ است. این متغیر از طریق متغیرهای رضایت از زندگی، سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی بر ارزش‌های خانوادگی اثر می‌گذارد. متغیر ارتباط با مراکز شهری با تأثیرگذاری بر تحصیلات و استفاده از رسانه‌های جمعی با ضریب ۰/۰۷ بر ارزش‌های خانوادگی تأثیر غیرمستقیم دارد.

قابلیت دسترسی روستا از دیگر متغیرهای مؤثری است که با اثرگذاری بر استفاده از رسانه‌های جمعی، ارتباط با مراکز شهری و وضعیت اقتصادی، ارزش‌های خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مجموع تأثیرات غیرمستقیم این متغیر بر ارزش‌های خانوادگی ۰/۰۴ است. وضعیت اقتصادی نیز از طریق ارتباط با مراکز شهری با ضریب ۰/۰۰۹ بر ارزش‌های خانوادگی تأثیر غیرمستقیم دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جامعه روستایی دیگر همچون گذشته یک جامعه سنتی و بسته نیست بلکه در اثر عواملی مانند افزایش سطح تحصیلات، استفاده از رسانه‌های جمعی و ارتباط با مراکز شهری در معرض تغییرات فرهنگی قرار دارد و یک جامعه در حال گذار محسوب می‌شود. رادیو، تلویزیون، مطبوعات و غیره باعث شده‌اند که جوانان روستایی در جریان افکار و اندیشه‌ها و الگوهای رفتاری جدید قرار گیرند و ارزش‌های جدیدی را بپذیرند. نمونه این تغییرات ارزشی را در حوزه ارزش‌های خانوادگی می‌توان مشاهده نمود.

تحقیقات نشان می‌دهد که سن ازدواج با نوسانات اقتصادی و اجتماعی در ارتباط است؛ یعنی هنگامی که سطح زندگی اقتصادی و اجتماعی پایین بیاید، سن ازدواج افزایش می‌یابد. همچنین طولانی بودن دوره تحصیلات امر ازدواج را به تأخیر می‌اندازد. وضعیت شغلی نیز موثر است چرا که هر چه پایگاه شغلی پایین‌تر باشد به همان نسبت با زودرسی ازدواج بیشتر مواجه می‌شویم (میشل، ۱۳۵۴، ص ۱۴۲ تا ۱۴۴). زودرسی ازدواج یکی از ویژگی‌های فرهنگی جامعه ایرانی محسوب می‌شود. با این حال، گسترش شهرنشینی و تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متعاقب آن باعث گردیده است که سن ازدواج افزایش یابد. با وجود نفوذ بیشتر سنت‌های فرهنگی در جامعه روستایی، این جامعه نیز تحت تاثیر این تحولات قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به تغییر نگرش روستاییان نسبت به سن مناسب ازدواج اشاره کرد. در حالی که در سال ۵۹ از نظر روستاییان سن مناسب ازدواج برای دختران ۱۵ تا ۱۶ سال و برای پسران تا ۲۰ سال بوده است، هم‌اکنون جوانان روستایی طبق این پژوهش سن ۱۹/۳ سال را برای ازدواج دختران و ۲۴ سال را برای پسران مناسب می‌دانند. در اینجا دو نکته قابل توجه است. نخست آنکه در مناطق کوهستانی که کم‌تر از سایر مناطق روستایی در معرض تغییرات فرهنگی قرار دارند و در نتیجه سنتی‌تر باقی مانده‌اند،

زودرسی ازدواج بیشتر از سایر مناطق است. دوم اینکه میانگین سن مناسب ازدواج از نظر جوانان روستایی از میانگین جامعه شهری کم‌تر است. بر اساس پیمایش ۱۳۸۲ وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، میانگین سن مناسب ازدواج از نظر جامعه شهری برای دختران ۲۰/۹ سال و برای پسران ۲۵/۴ سال است.

علاقه به داشتن تعداد فرزند زیاد یکی دیگر از ارزش‌های فرهنگی در جوامع سنتی است، زیرا در این نوع جوامع که بیشتر دارای اقتصاد کشاورزی هستند، نیروی کار فرزندان به شدت مورد نیاز است. از این رو با آنکه در سال ۱۳۵۹ روستاییان استان یزد ۵ الی ۶ بچه را تعداد مطلوب فرزند می‌دانستند، بعد از گذشت دو دهه با کاهش وابستگی اقتصاد روستایی به نیروی کار انسانی، نگرش روستاییان نسبت به تعداد مطلوب فرزند به گونه‌ای دگرگون شده است که میانگین آن برای جوانان روستایی و شهری تقریباً یکسان و برابر با ۲/۱ فرزند است.

با وجود اینکه شرط ایمان مهم‌ترین معیار گزینش همسر چه در جامعه شهری و چه در جامعه روستایی عنوان شده است اما روستاییان تاکید بیشتری بر آن دارند. ۶۶ درصد جوانان روستایی دارا بودن ایمان را مهم‌ترین ویژگی یک همسر خوب دانسته‌اند، در حالی که این میزان در مورد پاسخگویان جامعه شهری در پیمایش ۱۳۸۲ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ۲۲/۷ درصد کاهش می‌یابد. نفوذ بیشتر ارزش‌های مذهبی در جامعه روستایی بر ارزش‌های خانوادگی از جمله معیارهای گزینش همسر است. به همین دلیل، ۷۵ درصد جوانان روستایی ایمان مذهبی را مهم‌ترین عامل یک ازدواج موفق دانسته‌اند.

در مورد مشارکت زن و شوهر در تصمیم‌گیری‌ها، ربر بلود^(۱۳) و دونالد ولف^(۱۴) نظریه قدرت مالی را مطرح می‌کنند. از نظر این دو محقق، قدرت و مشارکت مرد و زن در تصمیم‌گیری‌ها با درآمد و سطح تحصیلات آنها رابطه دارد (میشل، ۱۳۵۴، ص ۱۷۸). دیوید هیر^(۱۵) نظریه مبادله را در این باره مطرح می‌کند که به نظریه قدرت مالی بلود و ولف بسیار نزدیک است. از نظر وی، موازنه قدرت بین زن و شوهر به مقایسه

درآمدهایی که در زندگی زناشویی مورد استفاده قرار می‌گیرد با درآمدهایی که هر یک از زن و شوهر می‌توانستند در خارج از زندگی زناشویی به کار برند، ارتباط پیدا می‌کند (میشل، ۱۳۵۴، ص ۱۷۹). افزایش سطح تحصیلات و آگاهی جوانان به ویژه دختران باعث شده است که آنها انگیزه بیشتری برای مشارکت در امور مختلف از جمله امور خانوادگی پیدا کنند. نگرش جوانان روستایی نسبت به نظام تصمیم‌گیری در خانواده نشان دهنده گرایش آنها به افقی شدن قدرت در خانواده است؛ تصمیمات اصلی در خانواده از نظر ۵۰/۶ درصد آنها باید توسط تمامی اعضای خانواده، و از نظر ۳۵/۵ درصد آنها باید توسط زن و شوهر گرفته شود.

خانواده روستایی ایران به طور سنتی پدرنام و پدرمکان است و شیوه پدرسالاری و مردمحوری تا حدود زیادی بر آن مسلط است. از نشانه‌های وجود این امر در خانواده، احترام به مردان و ارزش‌گذاری بیشتر در مورد جنس ذکور و اقتدار پدر نسبت به همسر و فرزندان است (تقوی، ۱۳۷۴، ص ۵۷) با وجود اینکه تبعیض بین مرد و زن در محیط روستا کاهش یافته است اما اعتقاد به ضرورت استقلال زن در خانواده نزد جوانان روستایی کم‌تر از جوانان شهری است. ۲۵/۴ درصد از جوانان روستایی معتقدند که داشتن شغل بهترین راهی است که زن می‌تواند به استقلال برسد، حال آنکه این میزان از نظر جوانان شهری ۵۶/۸ درصد است. مقایسه یافته‌های پیمایش محسنی در سال ۱۳۷۴ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ نشان می‌دهد که میزان گرایش به استقلال زن در خانواده به تدریج افزایش یافته و در مورد تمامی گویه‌ها به بیش از ۵۰ درصد رسیده است. به جز این گویه که هم زن و هم شوهر باید در کسب درآمد برای خانواده نقش داشته باشند (۵۵/۸ درصد جوانان روستایی موافق آن بوده‌اند)، در مورد دو گویه دیگر نسبت مخالفت یا موافقت نشان دهنده نگرش مثبت به حفظ استقلال زن در خانواده کم‌تر از ۴۰ درصد است. نکته قابل توجه اینکه گرایش پاسخگویان زن و مرد به استقلال زن یکسان بوده است و تفاوت آماری معناداری در این

زمینه دیده نمی‌شود. سطح توسعه یافتگی روستا نیز در این باره موثر است به این مفهوم که نگرش مثبت به استقلال زن در روستاهای توسعه‌یافته افزایش می‌یابد. با وجود تمامی تاثیراتی که جامعه روستایی و به ویژه نسل جوان روستایی از ارزش‌های خارج از محیط زندگی خود پذیرفته است، تفاوت ارزشی قابل اعتنایی، به صورتی که برای خود این نسل ملموس باشد، بین آنها و نسل گذشته دیده نمی‌شود بلکه از این لحاظ نوعی پیوستگی میان آنها وجود دارد.

یادداشت‌ها

1. public culture
2. field theory
3. Schramm
4. casual research
5. survey
6. pretest
7. Cochran

۸- طبقه‌بندی مناطق روستایی از نظر شرایط اقلیمی بر اساس گزارش سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان تحت عنوان مطالعات توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان اصفهان، گزارش یکم: جغرافیای طبیعی، ص ۴۸ صورت گرفته است.

9. Harris
10. patriarchal
11. cleavage
12. generation gap
13. R. Blood
14. D. Wolfe
15. D. Heer

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰)، *شکاف بین نسلی در ایران*. نامه انجمن جامعه شناسی ایران، ویژه نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، تهران: نشرکلمه.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۴)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: اطلاعات.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۲)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- بهنام، جمشید (۱۳۵۶)، *ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران*. چاپ سوم، تهران: خوارزمی.
- پژوهشکده ملی مطالعات جوانان (۱۳۸۳)، *پیمایش ملی ارزش‌های جوانان*. تهران: معاونت مطالعات و تحقیقات، سازمان ملی جوانان.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی روستایی*. چاپ اول، تهران: دانشگاه پیام نور.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی خانواده*. چاپ اول، تهران: دانشگاه پیام نور.
- خسروی، خسرو (۱۳۵۸)، *جامعه‌شناسی روستایی ایران*. چاپ اول، تهران: دانشگاه پیام نور.
- دختران و ازدواج* (۱۳۷۸)، روزنامه ایران، ۱۸ مرداد.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲)، *سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی*. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۴)، *جامعه‌روستایی و نیازهای آن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان (۱۳۷۵)، *مطالعات توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان اصفهان، گزارش یکم: جغرافیای طبیعی*. اصفهان: سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان.
- کارگاه تحلیل یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲)، *گسست و تداوم نسلی*. تهران: دفتر طرح‌های ملی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹)، *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی در ایران*. تهران: دبیرخانه فرهنگ عمومی کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۶)، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۷۵*.
- میشل، آندره (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*. ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱)، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور*. تهران: دفتر طرح‌های ملی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲)، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، موج دوم*. ویرایش اول، تهران: دفتر طرح‌های ملی، چاپ اول.

Ingelhart, Ronald (2000), "Globalization and Postmodern Values". *The Washington Quarterly*. 23:1, pp:215-228, The Center for Strategic and International Studies and the Massachusetts Institute of Technology.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی